

سه جانبه گرایی در توسعه و ایجاد اشتغال پایدار

محمد عسگری

اکثر فعالان اقتصادی ادوار گذشته، یا با انجام کارهای ساده و طی مدارج پائین شغلی در بنگاه های صنعتی و خدماتی سابق، فعالیت شغلی خود را آغاز نموده و ادامه داده اند و یا وارث حاصل کار و فعالیت نسل های پیشین خود بوده اند و اکنون با دانش و آگاهی بیشتر، بنگاه های اقتصادی مستقل و شخصی یا شرکت های سهامی تحت امر خود را اداره می کنند. اغلب کارفرمایان، فعالیت خویش را با بهره گیری از سرمایه های اندک، فرصت های در دسترس، استعداد های ذاتی، لیاقت، نبوغ کارآفرینی و تلاش و پشتکار بی وقفه، آغاز کرده و طی سال ها کار و تلاش مستمر و اعمال مدیریت مناسب، کسب و کار کوچک خود را توسعه داده اند و رفته رفته آن را به یک مؤسسه یا شرکت بزرگ خدماتی و یا کارخانه بزرگ تولیدی بدل کرده و همراه با ایجاد ارزش افزوده در بخش های مختلف تولیدی یا خدماتی، به رشد و توسعه و نیز ارتقای شاخص های کلان اقتصادی کشور کمک نموده اند. این افراد به کمک دانش و تجارب ارزشمند خویش، ضمن ایجاد اشتغال مولد و درآمد برای بخش بزرگی از نیروی کار کشور، به ثروت اندوزی پرداخته و با خطر پذیری و سرمایه گذاری مجدد، نقش مؤثری را در توسعه اقتصادی کشور و ایجاد رفاه نسبی در بین طبقات مختلف جامعه ایفا نموده اند. مسیری که به طور یقین بسیاری از کارگران و کارکنان شایسته و خلاق کنونی و نسل های آتی شاغل در مراکز تولیدی و خدماتی نیز آن را خواهند پیمود.

بسیاری از کارفرمایان بخش های مختلف اقتصادی به دلیل سرمایه گذاری مستقیم و عهده داری مسئولیت های کارفرمایی مبتنی بر انجام فعالیت های تولیدی یا خدماتی، دارای قابلیت های مناسبی جهت کمک به مراکز تصمیم گیری کشور می باشند. این افراد به علت لمس عوامل مرتبط و شناخت فرآیند بنگاه داری در فضای حقوقی سیال مبتنی بر قوانین و مقررات شناور کشور و فراگیری جبری و تدریجی آنها و نیز آگاهی کافی از مسائل و معضلات فراگیر عوامل تولید و بازارهای مختلف، همچنین درگیری مستقیم با مسائل متعددی مانند: گذر از هفت خوان تأسیس بنگاه، اجاره و یا ساخت کارگاه، تجهیز منابع، خرید تکنولوژی و ماشین آلات، استخدام و آموزش نیروی کار، تولید محصولات رقابتی، عرضه محصولات و یافتن مشتری جدید، تعامل با شهرداری، اداره مالیات بردرآمد، وزارت بازرگانی، سازمان تأمین اجتماعی، همچنین سعی در توسعه دادن بنگاه خود جهت کسب سود بیشتر و ایجاد اشتغال جدید، پرداخت حقوق و مزایای کارکنان، رویارویی با رکود بازار تقاضا، چک های برگشتی، فشار طلبکاران، مراجعه به بانک ها و



خانه صنعت و معدن
استان تهران
تولید

۱۸

شماره ۵۶

مهر ماه ۸۸

توسعه اقتصادی کشور می باشند. به طوری که عدم دخالت هر یک از آنها در دفاع از منافع گروهی خویش موجب اختلال در فرایند سه جانبه گرایی و پایمال شدن منافع گروه مربوطه و در نهایت، خدشه دار شدن منافع ملی می گردد.

بدیهی است که تشکل های صنفی کارگری و کارفرمایی به هیچ وجه نباید به احزاب و گروه های سیاسی یا دولت وابستگی داشته باشند و هر یک از آنها باید صرفاً منافع صنفی اعضای خود را در جهت توسعه پایدار کشور مورد

توجه قرار دهند. این تشکل ها باید به عنوان یکی از ارکان سه جانبه گرایی، محصول روند دمکراتیک جامعه باشند تا بتوانند نقش خود را به طور مستقل در تصمیم گیری ها ایفا کنند. شکل گیری غیر اصولی تشکل های صنفی و دخالت



عوامل دولتی، گروه های سیاسی و غیره در روند فعالیت آنها نه تنها به وابستگی فکری و فعالیت غیر واقعی آنان منجر خواهد شد بلکه تعاملات دوجانبه آنها با یکدیگر و توافقات سه جانبه را نیز به سمت و سویی مغایر با منافع ملی سوق خواهد داد. با توجه به این که شکل گیری تشکل های صنفی واقعی و مستقل، مبنای شروع مذاکرات سه جانبه ثمر بخش، الزام آور و فراگیر و قانونی می باشد، لذا باید صرفاً یک نهاد فراگیر و بی طرف در کشور وظیفه ثبت و نظارت بر فعالیت های آنها را برعهده گیرد تا از این طریق با مشخص شدن وظایف و رسالت هر کدام، روند قانونی و دمکراتیک شکل گیری تشکل های مختلف و انتخاب نمایندگان آنها برای حضور در مجامع سه جانبه ملی و بین المللی جهت انجام مذاکرات و تصمیم گیری های جمعی به درستی محقق گشته و بدین ترتیب، گروه ها و تشکل های موازی ساختگی نتوانند به اعتبار وابستگی به قدرت در چنین جایگاه هایی قرار گیرند.

بدیهی است در صورت تحقق موارد فوق، ضمن ایجاد انگیزه در بین سرمایه گذاران بالقوه، می توان با مشارکت دادن آنان در تصمیم گیری ها، بخش خصوصی داخلی و خارجی را به سرمایه گذاری و انجام فعالیت های اقتصادی همسو با توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در کشور تشویق نمود.

نزول خواران، فروش دارائی ها، بیماری های روحی و جسمی ناشی از کار، ورشکستگی و زندان، تلاش و بالندگی مجدد و بسیاری دیگر از موارد مبتلابه جامعه کارفرمایی کشور، اصولاً مشاوران مناسبی برای تصمیم گیری های مسئولان اجرائی شوراهای عالی و نمایندگان قوه مقننه محسوب می گردند.

همچنین بر کسی پوشیده نیست که اکثر قریب به اتفاق مسئولان و تصمیم گیران محترم رده های مختلف دستگاه های دولتی و یا نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی،

علیرغم برخورداری از دانش تخصصی نظری و سال ها تجربه دیوانسالاری خود، اما به دلیل عدم انجام فعالیت های گسترده بنگاه داری و ضعف شناخت مسائل و معضلات آن،

متأسفانه در اغلب موارد، به تنهایی امکان شناخت کافی از عمق معضلات جاری و نیز توان اتخاذ تصمیمات منصفانه و مطابق با منافع ملی را نسبت به حل مسائل مرتبط با حوزه فعالیت شغلی خویش نخواهند داشت و اصولاً برای هرگونه اظهار نظر و تصمیم گیری مناسب، شایسته است ضمن استفاده از همکاری کارشناسان خبره دولتی، با بهره گیری از نظرات ذیفعان و همفکری صاحب نظران تشکل های صنفی بخش خصوصی، نسبت به بررسی و تحلیل مسائل مرتبط و متعاقباً تصمیم گیری عمومی بر مبنای خرد جمعی در راستای منافع و مصالح کلان کشور اقدام نمایند. یکی از اصولی ترین راه های نیل به این امر، بهره گیری از راهبرد سه جانبه گرایی و ایجاد تعادل مناسب بین سهم دولت و تشکل های کارگری و کارفرمایی جهت همفکری در تدوین لوایح و اصلاح قوانین و مقررات اقتصادی و اجتماعی و اجرای آنها با تمرکز و تأکید بر کار شایسته است. سه رکن اصلی سه جانبه گرایی در حوزه روابط کار و تولید، مطابق با اصول پذیرفته شده مقاله نامه های (Conventions) سازمان بین المللی کار (ILO)، عبارتند از نمایندگان تشکل های صنفی کارگری، کارفرمایی و دستگاه های دولتی که هر یک به فراخور سهم خود دارای نقش و اهمیت ویژه ای در تدوین مقررات و تصمیم گیری های مرتبط با